

“احکام اسلام” یا تلاش برای استحکام حکومت آخوندی

“بندج” و پیمان پوسیده‌ای برای بندبازی جدید

چند روز قبل از فتوی‌ای ناگهانی “اخیر خمینی” زمینه سازی ها شروع شد و برای چندمین بار، موضوع “بندج” در دستور تبلیغات بلندگوهای رژیم قرار گرفت. روزنامه های وابسته و دستگا ههای تبلیغاتی و نهاد های به اصطلاح انقلابی یکبار دیگر شروع کردند در زمینه‌ی مشکلات کشاورزی و ضرورت برخورد “انقلابی” با آن داد سخن دادن و از مردم و روستائیان در این زمینه نظرخواهی کردن. عمده آکره های رژیم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی (نظیر حجت الاسلام بهاری، نماینده های ساری و زرهانی نماینده های دزفول) و مسئولان “نهاد های انقلابی” (نظیر مسئول مراکز خدمات روستایی در جهاد سازندگی و غیره) ، بعنوان دلگنان قبل از آغاز ضبط، برای محرکه گردانی بروی صحنه ظاهر شدند و خواستار “اصلاحات ارضی اسلامی” گردیدند.

نمایش اصلی، در روز ۲۰ مهر، ۶۰ با چاپ استفتا هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و چاپ فتوی‌ای تاریخ ساز نام امت، در همان روز بروی صحنه ظاهر گردید. و معلوم شد که آن مقدمه جینی های چند روزه، بی دلیل نبوده است. یک خواننده های عادی که استفتا و فتوی را یکجا در روزنامه‌ی ۲۰ مهر، ۶۰ خوانده باشد، چیز زیادی دستگیرش نمیشود، فقط بقول یکی از سردمداران رژیم به نحو مبهمی پی میبرد که “حکومت الله با زهم در جا رسیده شده است.”

خوشبختانه مصاحبه های یه پی در پی حضرات آیات و حجج الاسلام در روزنامه ها و نیز سرمقاله های روزنامه های مزدور رژیم در تفسیر فتوی تاریخ ساز نام، کمی پرده ها را کنار میزنند و معلوم میشود که قضیه بر سر یکی از جداترین و وخیم ترین مسائل مربوط به “احکام خدشه ناپذیر ابدی اسلام” یا “استقرار و استحکام حکومت آخوندی” است، روشنتر اینکه با کلام خدا (قرآن) و کلام پیغمبر (سنت) و قول فقها “احکام اولیه” را باید در رکوزه گذاشت و یا برای نجات حکومت آخوندی باید به کلاه شرعی “احکام ثانویه” متوسل شد. وقتی قضیه را از طرف “مد رسین” حوزه علمیه قم و علما و اعلام سرتاسر کشور به این شکل روشن مطرح شود، (اطلاعات ۲۶ مهر ۶۰) شخص میگردد که مسئله چقدر “سرنوشت ساز” است.

از همان روز ۲۰ مهر، ۶۰، مزدوران رژیم در روزنامه های وابسته شروع کردند به توجیح این کلاه شرعی شده بند ارضی اسلامی و “تفسیر” فتوی نام امت. قبل از روزنامه‌ی اطلاعات که سرمقاله های سه روز ۲۱ تا ۲۳ مهر خود را به “تفسیر” و توجیح “فتوی نام امت” اختصاص داده است، لازم دانست که در همان روز ۲۰ مهر، ۶۰ گریا گریه به همراه چاپ متن استفتا رفسنجانی و فتوی خمینی، توضیحی در روبرو موم بنویسد:

“خلاصه‌ی کلام اینست که بر اساس احکام اولیه‌ی اسلام یعنی صریحاً از کتاب ((قرآن)) و سنت ((کلام پیغمبر)) استخراج شده مالکیت فردی، محترم بود و علیهذا مالک افراد چه زمین باشد چه مسکن چه اموال و املاک و حقوق مشروع دیگر نمیتوان به هیچوجه کلایا جزاً صادره کرده یا به نحوی زانها” محد و د کرد”. (تاکید از ماست)

مفهوم روشن عبارت فوق (که تاکنون لاپوشانی میشد) اینست که: در اسلام ناب، در اسلام راستین یعنی اسلامی که صریحاً و مستقیماً از کلام خدا و پیغمبر استخراج شود، مالکیت خصوصی چه در زمینه‌ی زمین، مسکن، اموال و املاک و غیره، به مقدار و میزان، قابل احترام و غیر قابل اعتراض است. روشنتر اینکه: اگر کسی در هجا هزارهکذا زمین، صد ها خانه، دهها کارخانه، میلیاردها ثروت داشته باشد، بنا به تصریح کتاب و سنت، نمیتوان آنها را “به هیچوجه کلایا جزاً صادره کرده و یا به نحوی زانها” محد و د کرد”. و این “احکام اولیه” یا اسلام ناب (غیرالطبی) و راستین است. بنابراین، اگر کسی بگوید که اسلام راستین (یعنی اسلامی که از دقیقترین و معتبرترین منابع یعنی کلام خدا و پیغمبر مستقیماً استخراج شده باشد)، دین زمینداران بزرگ و سرمایه داران بزرگ است و نه “دین حامی مستضعفان”، بروی یک حقیقت انکارناپذیر تکیه گذاشته و به هیچوجه جنبه‌ی توهین یا تهمت ندارد. و اگر استغفرالله توهین یا اتهامی واقع شده باشد، باید گریبان مزدور روزنامه‌ی اطلاعات، برگزیده‌ی امام در اطلاعات و نماینده مجلس شورای اسلامی، دستخیز، طاهری، آذری قمی، اشرفی اصفهانی، موسوی تبریزی، هاشمی رفسنجانی، ریانی املشی و بسیاری زما بندگان، مضم و غیر معمم مجلس شورای اسلامی، “مد رسین” حوزه‌ی علمیه قم و علما و اعلام سرتاسر کشور، را گرفت که (خوشبختانه امروز دیگر نه نیازی به هیچگونه پرده پوشی دارند و نه با کسی تعارف و آنچه را طبعی قرنها مخفی میکردند و نعل را زونه میزدند، امروز آشکارا و بدون وا همه به زبان می‌آورند) در طرف همین چند روز خیر را عادیه ها و مضاحبه های خود، ضمن بیان و توضیح روشن “احکام اولیه”، با این حال به توجیح “قرآن” تاریخ ساز نام “پرداختند. در این جا این سؤال پیش میآید که با وجود صراحت کلام خدا و پیغمبر یعنی بر محترم و نامحدود بودن ثروت، آیا میتوان خلاف اصل “ما نزل الله” عمل کرد؟ بنظر روزنامه‌ی اطلاعات و کلیه کتب آیت الله ها

چند روز قبل از فتوی‌ای ناگهانی “اخیر خمینی” زمینه سازی ها شروع شد و برای چندمین بار، موضوع “بندج” در دستور تبلیغات بلندگوهای رژیم قرار گرفت. روزنامه های وابسته و دستگا ههای تبلیغاتی و نهاد های به اصطلاح انقلابی یکبار دیگر شروع کردند در زمینه‌ی مشکلات کشاورزی و ضرورت برخورد “انقلابی” با آن داد سخن دادن و از مردم و روستائیان در این زمینه نظرخواهی کردن. عمده آکره های رژیم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی (نظیر حجت الاسلام بهاری، نماینده های ساری و زرهانی نماینده های دزفول) و مسئولان “نهاد های انقلابی” (نظیر مسئول مراکز خدمات روستایی در جهاد سازندگی و غیره) ، بعنوان دلگنان قبل از آغاز ضبط، برای محرکه گردانی بروی صحنه ظاهر شدند و خواستار “اصلاحات ارضی اسلامی” گردیدند.

نمایش اصلی، در روز ۲۰ مهر، ۶۰ با چاپ استفتا هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و چاپ فتوی‌ای تاریخ ساز نام امت، در همان روز بروی صحنه ظاهر گردید. و معلوم شد که آن مقدمه جینی های چند روزه، بی دلیل نبوده است. یک خواننده های عادی که استفتا و فتوی را یکجا در روزنامه‌ی ۲۰ مهر، ۶۰ خوانده باشد، چیز زیادی دستگیرش نمیشود، فقط بقول یکی از سردمداران رژیم به نحو مبهمی پی میبرد که “حکومت الله با زهم در جا رسیده شده است.”

خوشبختانه مصاحبه های یه پی در پی حضرات آیات و حجج الاسلام در روزنامه ها و نیز سرمقاله های روزنامه های مزدور رژیم در تفسیر فتوی تاریخ ساز نام، کمی پرده ها را کنار میزنند و معلوم میشود که قضیه بر سر یکی از جداترین و وخیم ترین مسائل مربوط به “احکام خدشه ناپذیر ابدی اسلام” یا “استقرار و استحکام حکومت آخوندی” است، روشنتر اینکه با کلام خدا (قرآن) و کلام پیغمبر (سنت) و قول فقها “احکام اولیه” را باید در رکوزه گذاشت و یا برای نجات حکومت آخوندی باید به کلاه شرعی “احکام ثانویه” متوسل شد. وقتی قضیه را از طرف “مد رسین” حوزه علمیه قم و علما و اعلام سرتاسر کشور به این شکل روشن مطرح شود، (اطلاعات ۲۶ مهر ۶۰) شخص میگردد که مسئله چقدر “سرنوشت ساز” است.

از همان روز ۲۰ مهر، ۶۰، مزدوران رژیم در روزنامه های وابسته شروع کردند به توجیح این کلاه شرعی شده بند ارضی اسلامی و “تفسیر” فتوی نام امت. قبل از روزنامه‌ی اطلاعات که سرمقاله های سه روز ۲۱ تا ۲۳ مهر خود را به “تفسیر” و توجیح “فتوی نام امت” اختصاص داده است، لازم دانست که در همان روز ۲۰ مهر، ۶۰ گریا گریه به همراه چاپ متن استفتا رفسنجانی و فتوی خمینی، توضیحی در روبرو موم بنویسد:

و حجت الاسلام های نامبرده در فوق و تفسیر توفیق فتوی های امام^۳ جواب مثبت است و کلام شریفی آن " احکام ثانویه" است. مفهوم بسیار روشن این "جواب مثبت" اینست که اگر ضرورت ایجاد کند، قرآن و سنت یعنی احکام اولیه، مفت نمیا رزند و فتوای مجتهد جامع الشرايط و فقیه یعنی " احکام ثانویه" میتواند جایگزین آنها شود. و این اعتراف حائز میان و متولیان دین است دست آورد بسیار بزرگی است که میتواند برای آگاهی داد نده توده ها مورد استفاده قرار گیرد، توده های بی که قرن ها توسط متولیان دین به آنها دروغ گفته شد، مورد تحمق قرار گرفتند و استتار شدند و امروزه حکم ضرورت توسط همان متولیان دین اعلام میشود که:

- ۱- احکام اساسی اسلام یعنی قرآن و سنت " صریحا" حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران بزرگ است نه ابد اطرفدار زمینکاران یا " مستضعفان".
- ۲- پایهای اساسی دین را بر احتیاج خوردن میتوان نادیده گرفت. چرا که پایه های دین بر آب بنا شده است.
- اینرا کمونیستها نمیگویند، اینرا چهارده قرن بعد از نزول و صد و آیه " احکام اولیه" و " فقیه" و " مجتهد جامع الشرايط" و " نایب برحق امام زمان" و " ولی امر" و " امام است" و " بنیاد گذار جمهوری اسلامی" و " خمینی بت شکن" میگوید. باید این دست آورد های ارزنده را با ساده ترین عبارات و به گسترده ترین شکل ممکن، به میان توده برد.

با آن . . . چاره جویی کند و احکام یاد ستورا العمل یا طرحهایی ((ولو مخالف قرآن و سنت)) را به اجرا بگذارد. اکنون امام با اشاره بهمین مطلب ((احکام ثانویه)) است که به مجلس اختیار میدهد تا آنچه انجام دادن یا ندادنش موجب اختلال در نظام جمهوری اسلامی یا " فساد" اجتماعی یا بد آمدن خرج" یعنی تنگنا و مشکل سخت خواهد شد . . . تصویب کرده و به اجرا گذارد. (اطلاعات ۲۰ مهر ۶۰)

اما قضیه " تصویب اکثریت مجلس" که در فتوای خمینی آمده، چیست؟ مگر تاکنون لایحه و قوانین توسط اقلیت مجلس تصویب میشد؟ نه، داستان چیز دیگری است. خمینی که معمولاً میان و فوقها میانه چیز مینویسد و حرف میزند و فتوای خیر خود را بنام مصلحت بزبان بسیار فقهی یا بسیار علمی نوشته است که نه تنها یک خواننده معمولی بلکه حتی بسیاری از زحمتکاران با سواد ولی نا آشنا با پیچ و خم های نشرا خواندی، و نیز از آن چیزی سرد رتیا و رند. خوشبختانه سرسپردگان ولایت فقیه در همین مدت کوتاه چند روزه، در شرح و تفسیر هر کلمه، هر اصطلاح و هر عبارت فتوای خمینی، مقاله ها نوشته، سخنرا آنها کرده اند و در نتیجه، هر خواننده ای کججا و کو عادی، از زوایان نوشتهها، مباحثه ها و سخنرا نیها، به چند و چون قضیه پی میرسد.

قضیه " اکثریت مجلس" برآیند جدال مخفیانه است که ماهها در ریشتر پرد و بین برگزیدگان خمینی یعنی فقهای شوروی نگهبان با سایر برگزیدگان خمینی در دستگا مقننه و مجریه بصورت حادثه جریان داشته. شوروی نگهبان، نهادی که پس از ولایت فقیه، ارتجاعی ترین نهاد های قانونی اساسی جمهوری اسلامی است، با لایحه و قوانین پیشنهادی تصویب شده توسط سرسپردگان رژیم جمهوری اسلامی به مخالفت برخاست و عملاً در مقابل حکومت ولایت فقیه ایستاد و بود. طرح های نظیر " بندج"، " اراضی شهری"، " مالیاتهای جدید"، ملی شدن بازرگانی خارجی و غیره، با وجود " تصویب اکثریت" مجلس بر اثر مخالفت شوروی نگهبان، روی دست دستگا هها یا جرایبی دولت مانده بود و یا دولت با علم به مخالفت شوروی نگهبان، " از طرح آنها در مجلس خودداری میکرد. فتوای جدید خمینی، تا نظریه ای حدال دروسی حاکمیت، به ظاهر " یکدست و یکجا رجه" و توده های زدن به برگزیدگان خود یعنی فقهای شوروی نگهبان، و گفتن این مطلب است که شما با تکیه به " احکام اولیه" یعنی کلام خدا و پیغمبر در مقابل باره ای رقوم های نیم بند که مجبوره انجام آنها هستیم، ایستاد، اید در حالیکه غلط زیادی میکنید چون من شما را انتخاب کرده ام که از دستورات و احکام من اطاعت کنید.

حال ببینیم که شوروی فوقی ارتجاعی نگهبان چه نقش بسیار اساسی و تعیین کننده ای در قانون اساسی فوقی ارتجاعی جمهوری اسلامی دارد: " شوروی نگهبان" طبق اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی:

" به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون"

باری قبل از اینکه تعریف احکام ثانویه را در تفسیر فتوای امام^۳ در روزنامه ای اطلاعات ۲۰ مهر بشنویم یک نکته را بعنوان معترضه بطور گذرا عنوان کنیم: افراد و نیروهای مسلط نظیر بازرگانها و شریعتیها و بنی صدرها و بویژه مجاهدین، با دیدن اینکه راه فرار از طریق نص صریح و تفسیر توفیق قرآن و سنت، محدود است، اگر به " دکم نبودن اسلام" (یعنی همان "طلل ثانویه" خمینی) متصل شوند، " ضد روحانیت"، " ضد اسلام"، " مناقق"، " التقاتی" و " اند" ولی اگر دگم های مذهبی از طرف بنیانگذار جمهوری اسلامی، در فتوای خود تحت عنوان " جلوگیری از اختلال در نظام" جمهوری اسلامی با رفع " خرج" (خرج ارتنگنا) و شکسته شود. این فتوا هرچند مخالف صریح احکام قرآن و سنت باشد، با زبانی نمایندگی در زوایان در مجلس شوروی اسلامی، " میوه های صیل فقه است". (نگهبان ۲۹ مهر ۶۰)

اما تعریف احکام ثانویه را از زبان روزنامه ای اطلاعات بشنویم (سایر روحانیون سرشناس نامبرده در فوق در مباحثه های احیر خود، گاه با کلماتی متناوب ولی همواره عین همین تعریف را بدست داده اند). روزنامه ای اطلاعات، در تفسیر " فتوای امام"، پس از شرح احکام اولیه (که در فوق نقل شد)، اضافه میکند: " اما مجتهد جامع الشرايط و " فقیه" میشوند.

" هرگاه با شرایط و اوضاع و احوال جدیدی مواجهه شد که حکم جدیدی را نیز ایجاد میکرد بعضی از توجیهات "طلل ثانویه" یعنی طلل و عوامل و شرایطی که جدیداً بد آمده و متناسب

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی



اساسی از نظر عدم مفایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها

تشکیل میشود . طبق همین اصل ، شورای نگهبان دارای و زده عضو است که مقرر آنها از میان فقهای عادل و آگاه بسعه مقتضیات زمان و مسافله روز تعیین میشود و " انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است " و ع نفر دیگر از میان حقوق دانان مسلط بوسیله شورای عالی قضایی به مجلس شورای ملی معرفی میشوند . (در جایبها یا خیر قانون اساسی جمهوری اسلامی می که توسط رژیم انجام گرفته ، مجلس شورای اسلامی همچنان " مجلس شورای ملی " است) .

اصل ۹۳ تصریح میکند :

" مجلس شورای ملی بدو وجود شورای نگهبان با اعتبار قانونی ندارد "

طبق اصل ۹۴ :

" کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان فرستاده شود "

بنابا اصل ۹۶ :

" تشخیص عدم مفایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است . "

بالاخره اصل ۹۸ میگوید :

" تفسیر قانون اساسی با شورای نگهبان است "

بطوریکه ملاحظه شده ، شورای نگهبان با اختیار عظیمی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در اختیارش قرار داده ، هر مصوبه اکثریت مجلس را میتواند فاقد هرگونه اعتبار بداند . شورای فوق ارتجائی نگهبان که بعنوان ترمیناسرمقاله نویسن روزنامه های اطلاعات (۲۱ مه ۶۰) بعنوان محکم کاری درقبال تند رویبها یا احتمالی ، آیندهای اکثریت مجلس و باز بقول همان سرمقاله نویسن بعنوان چک نهایی و چک تضمین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی گردیده بود ، وصال کردن رژیم شد و صدای " تف سربالا " را پیدا کرده است . این شورا امروز مقابل کل رژیم ایستاده است و مصوبات مجلس شورای اسلامی در مورد پاره ای از فرمها را که رژیم خود را محبوسه انجام آنها میکنند ، ماهیاست که به تعویب انداخته و از اجرای آنهاست بر اساس نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی و اختیارات عظیمی که این قانون در اختیارش قرار داده ، نظیر " عدم مفایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام " و " از نظر انطباق با موازین اسلام " و غیره - جلوگیری بعمل میآورد .

سرمقاله نویسن اطلاعات ، مسئلهی حدید حکومت الله را ، هرچند کم و بیش سر بسته ولی در هر حال قابل فهم و تشنگان میکند :

" . . . اما اشکالی که بمضاد همین رابطه بدید میآید این بود که برخی از مصوبات مجلس یعنی آن چه بمنظور اداره قانونی کشور و حل مشکلات مهم اجتماعی . . . تنظیم و سپس با اکثریت آرا تصویب میشود ازجها تی مورد مخالفت شورای نگهبان قرار میگرفت . بر اثر این واقعیت که چند بار هم تکرار شد ، وضعیت نگران کننده ای بدیده آمد . دست مجلس و نتیجتا د ولت و ارگانهای حرابسی واداری . . . بسته شد . "

روزنامه های اطلاعات ادامه میدهد ، قوتی نیستی که :

" برای طی مراحل قانونی اش به شورای نگهبان رفت ، شورا با استناد به ادله ، موازین و احکام اولیه " ی اسلام . . . بمعضی از مواد لایحه را که اتفاقاً صبرتر بین آن مواد نیز بود ، تا حدودی میتوانست حلال مشکلات باشد ، مغایر مخالف موازین شرعی دانست . بدین ترتیب لایحه نصفه شد و نصفی از آن باقی ماند ، آنها هم نصف اول یعنی لا " .

سرمقاله نویسن اطلاعات تعدا فرا موش میکند که بنویسد طبق نص صریح اصول ۹۱ تا ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ، فقهای مرتجع شورای نگهبان دقیقاً وظیفه دارند که چنینی کنند . فقهای مرتجع مجلس خبرگان که گزرتکرده پاره کرد مانده اگر ذره ای شعور میداشتند میبایست تضاد موهومات اساسی و واقعیتبها ی سخت زمینی را میدیدند . وگرنه کمونیستبها در همان وقت از همان اول گفته بودند که رسیدن به " حکومت صد راسلام " و " ایجاد یک جامعهی صد رصدا سلامی " در جامعهی سرمایه داری امروزی ، از جمله جفتکیات مطلق است . چه شکست تحقیر آمیزی از این بزرگترین ی خمینی که بالاخره در فتویا خیر خود مجبور شده است که با زبان الکن فقهی اعتراف کند که " احکام اولیه " یعنی قرآن و سنت امروزی را حکومت کردن ، نه تنها ناگانی بلکه دست و پا گیر و فلج کننده است . توسل به خمس و خاشاکبها ی " علل ثانویه " اعتراف به شکست رویبها یا حقیقتی خمینی است که به خاطر آنها ، این همه ویرانیبها را آورد و این همه جنایات مرتکب شد و میشود . این تجربه باید درسی باشد برای کسانی که تضاد آشتی ناپذیر رویبها و واقعیات و ضرورت جدایی دین و سیاست را هنوز نمی بینند ، همچنان در رتارهای ذهنیات خود زندانی اند وهم چنان با زبانه اصطلاح " اسلام راستین " و جمهوری دموکراتیک اسلامی سخن میگویند .

بهر حال ، سرمقاله نویسن اطلاعات نمیتواند از تائید این مطلب خود دری کند که :

" البته هما نظوریکه (در زمینه احکام اولیه) اشاره کردیم ، کار شورای نگهبان در رد ها و تائیدها ، بی حساب و کتاب نموده و مستند به ادله شرعی و موازین فقهی بود . "

بامزه است که از قول همان سرمقاله نویسن بدانیم که :

" کاروکلاهی مجلس نیز بی حساب و کتاب نبوده و آنها هم متکی به دلایل و موازین فقه اسلامی (احکام ثانویه) بود . "

دراین " بی حساب و کتاب نبودن " ها و " مستند به ادلهی شرعی و متکی به موازین فقه اسلامی " ، معلوم کنید ، قضیهی " اسلام راستین " را .

خلاصه اینکه ، خمینی برسرد و راهی " اجرای دقیق احکام اسلام " و " رفع حرج یعنی خروج از تنگنا " قرار گرفت . یکبار دیگر ، مانند بسیاری از موارد دیگر ، قانون اساسی جمهوری اسلامی خود را لگد مال و آزار بیش از پیش به ورق پارهای بی ارزش تبدیل کرده است .

آیات عظام نظیر شریعتمداری ، قس ، شیرازی ، گلپایگانی و غیره را که مخالف لواج ضد اسلامی خمینی هستند اگر بتوان بسراحتی خاموش کرد و طوسی



پا تین نگران هستم (روحانیت اسلام اسال مید ندارد. تاکید ها از اعلامیه خمینی است) .

شان نزول ' احکام ثانویه'

وشکستن دگمهای صدر اسلام

آخوند های دهات و عمال رژیم در رجها دسا زندگی که نبض روستا ها را در دست دارند ، چشم و گوش رژیم در روستا ها هستند به حکومت اسلامی فشار آوردند که باید به مسئله ارضی وضع انفجاری روستا ها توجه کنند. روستا ثیا را کا زنا آگاه ترین بخش توده ها و مهمترین پایگاه حکومت اسلامی میباشند تا بی نهایت نمیتوان با یک مشت شعرا و تکیه بر باورهای مذہب آنها به پشتبیا نی رژیم وا داشت. نمیتوان عملاً زفقود الهیا و زمینداران بزرگ حمایت کرد و در عین حال مطالب پشتبیا نی زحمتکارانها مستضعفان روستا بود. مسئول مراکز خدمات روستایی در رجها دسا زندگی در روزنامه ای اطلاعات مورخ ۳۰ مهر عصریحا اعلام داشته بود :

اگر لایحه ای اصلاحات ارضی اسلامی اجرا نشود مادر مراکز خدمات باید به مالکان و فقودال ها خدمت ارائه کنیم .

رژیم ولایت فقیه برای حفظ این پایگاه به نظر میرسد که میخواهد امتیازاتی هرچند ناچیزه روستا ثیا نبد هد . اگرچه دست و بال حکومت آخوندی با احکام اولیه ی مزاحم بسته میباشد ولی ازهما نیاز زحاکمیت به اهمیت که دارد روستا ها پی برده بود . جها دسا زندگی در روستا ها فقط مسجد نساخت برای جلب حمایت بیشتر روستا ثیا نه این جا و آنجا ، حمام ، مدرسه ، جاده ، پل و غیره نیز نساخت .

رژیم علاوه بر سرکوب و کشتن نیروها ی انقلابی و دموکرات ، گذاشتن تکلیف اساسی د رتلیفات مداوم خود د روزنامه های وابسته و راد یوتلوویزیون علیه مجاهدین ، در عین حال میکوشد بقول خود ثابت کند که رهبری مجاهدین ضد امپریالیست نیست (یعنی تلویحا طرفدار سرمایه داری است) . ولی کشتارهای جنا یترگانه ، اعدام های هرروزه ، تبلیغات بی وقفه ، بیه تنهایی کافی نبود . رژیم به همرا ه اینها میبایست پایگاه مال فوه و آبی خرد و بورژوازی دموکرات را نیز از جنگ شان در آورد .

مجاهدین با اینکه تاکنون روستا ها فعالیت عمده ای نداشته اند و بیشترین توجه را به کار در میان خرد و بورژوازی شهری معطوف کرده اند ولی روستا ثیا ن در هر حال د رآینسده مهمترین پایگاه توده ای آنها را تشکیل خواهند داد . رژیم جمهوری اسلامی با پی بردن به این نکته ، د ریافت کد رکنسار سرکوب فیزیکی مجاهدین و تبلیغات مداوم علیه آنها با بد انجام اصلاحات نیم بند نظیر بندج : بازاراضی شهری ، تعدیل ثروت ، ملی کردن تجارت خارجی و غیره (هما نظوریکه گفته ایم رژیم بها یگزافی برآی آن برداشته یعنی حکومت فدا کردن احکام صریح قرآن و سنت را حان بخرد) زبیر پای مجاهدین را خالی کند ، و سیاستها زبیا د آرا ن

د ریاری مخالفت شورای نگهبان که به منظور پاسداری از احکام اسلام (اصل ۹۱) تشکیل شده و از آراگان اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی بشمار میرود چه میتوان کرد ؟ با توجه به آنچه گذشت ، مفهوم دقیق توسل به اکثریت مجلس در مهارت زیرفتوی خمینی د رجواب به استفتاها ششمی رفسنجانی ، روشن میشود :

" اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی . . . مجا زند در تصویب و اجرای آن (یعنی تصویب و اجرای قوانینی که فعل یا ترک آن موجب اختلال د نظام میشود و آنچه ضرورت دارد . . . آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است) .



ریشخند تاخ یکبار د بگرمجلی شد و اینبار گریبان خمینی را گرفت : کسی که تکیه میوکد به احکام اولیه اسلام با اصلاحات ارضی شاه مخالفت میکرد و در اعلامیه های خود د رکنار آیات عظام مخالفان (روزیش) آنرا "تخلف از احکام اساسی اسلام" و "ضد اسلام" میدانست ، با فریفتن بخشی از توده های نا آگاه که از کاسه های زیرنیم کاسه اطلاعاتی نداشتند و بهمراه شریعتمداری ها ، قمی ها ، گلیا یگانی ها ، بهبهانی ها - آخوند د ریاری معروف - خونسارها ، فلسفی ها و غیره ما سو استظاده از احساسات مذہبی و ضد رژیم مردم ما اجرای د اخرداد را براه انداخت و هزاران تن را ز توده های نا آگاه را بکشتن داد ، امروزه ن آیات عظام و مهمترین فقهایی خود گمراهی شورای نگهبان را د مقابل اصلاحات ارضی اسلامی خود دارد . اگر رژیم شاه ازین بسست (و از هی غیرا اسلامی "حرج یا خروج از تنگنا) ، به عامل ضدانگیزه ای (و از هی غیرا اسلامی "فساد" و "اختلال د نظام") متوسل میشد رژیم خمینی نیز برای رفورمها ی آینسده ی خود به همان د لایل و عوامل متوسل میشد و مانند بسیا ری رژیمها - های د بگر (از جمله سا با ما ، سرکوب نیروها ی انقلابی و غیره) ، به نحوی عمل میکند که گویی شاه مرجع تقلید خمینی است .

روزی آیات عظام شریعتمداری ، قمی (همزندیر خمینی د ر زندان عنشرت آباد پس از ۲۵ اخرداد ۴۲) گلیا یگانی ، میلانسی ، مخلاتی و غیره علیه اصلاحات ارضی شاه میجنگیدند و در اعلامیه های خود ، آنرا "تخلف از احکام اساسی اسلام" میدانستند . " خمینی د ر مقابل انقلاب ازین لایه (گویا اصلاحات ارضی اسلامی ، انقلاب !) ازین لایه نیست) ، به دستگه جابره اعلام خطر میکند و نگارنی خود را د رمورد انقلاب ازین لایه که آنرا وقیحانه انقلاب سیا میخواند ، اعلام میدارد و ماهیت طبقاتی خود را به روشنی بنمایش میدارد :

" من این عهد را برای جامعه مسلمین عزا اعلام میکنم تا مسلمین را از خطرهای که برای قرآن و مملکت در پیش است آگاه کنم . من به دستگه جابره اعلام خطر میکنم . من بخدای تعالی از انقلاب سیا و انقلاب از

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

گیج و مبهوت آنها (بویژه پس از رفتن رجوی به همراه بنی صدر به پاریس، امضا "میثاق با او" چشمک زد نه به غرب بویژه سوسیال دموکراسی اروپا، اعلام غیررسمی "مبارزه مسلحانه" با رژیم یعنی انفجارها و تیرورها، اعلام رسمی سرنگونی رژیم در این ماه و حتی "ظرف چند روز آینده" و بعد ۱۰۰٪) را بطرف خود بکشند. تردیدی نیست که اصلاحات نیم بند اشاره شده در فوق نه تنها برای رفورمیستها و اپورتونیستهای توده ای و اکثریتی بلکه برای بخشی از رهبران آنرا منجانباً بین نیزگی را بی خاصیتی دارد و حتی ممکن است بعضی از کمونیستهای همیشه گیج را با از دست دادن چارچوبی که این خطری است که از هم اکنون نیروهای انقلابی با افشاء ماهیت این رفورم نیم بند، باید بدان توجه کنند.

ماد شماره های آینده ای رهائی طی مقالاتی به ظاهر دست به نقد ترین رفورم های با سعه ای رژیم یعنی بندج و "لابحسه اصلاحی بندج" (که برای حلقب رضایت زمینداران را بزرگ به بندج الحاق شده) را مورد بررسی قرار خواهیم داد و خواهیم دید که اصلاحات ارضی اسلامی نه تنها خواستهای واقعی زحمتکشان روستا را برآورده نمیکند، نه تنها هیچ یک از مشکلات کشاورزی ایران را حل نخواهد کرد بلکه ورشکستگی کشاورزی ایران و وابستگی آن به خارج را تسریع و تشدید خواهد کرد. اصلاحات ارضی شاه، ساخت روستائی ایران را هر چند در جهت خواست امپریالیست (دگرگون کردن در حالی که اصلاحات ارضی اسلامی رونوشت بدلی اصلاحات ارضی شاه) هدفی جز وصله پینه کاری را دنبال نمیکند. در مقاله ای اصلاحات ارضی شاه و اصلاحات ارضی خمینی باید به چند نکته مهم دیگر نیز توجه داشت:

● اصلاحات شاه در زمان آرمش و ثبات رژیم صورت گرفت. در حالی که اصلاحات خمینی در طوفانی ترین و بی ثبات ترین وضع حاکمیت لرزان و ناسلام میبود. و در این شرایط معمولاً اینگونه رفورم های با سعه ای به ضد خود تبدیل میشوند.

● اصلاحات ارضی شاه، خصوصاً برای توده های روستایی شدیدا توهم زا بود (و سالها طول کشید که اثرات ویرانگرانه آن در رکنها و وزیها بر آن حتی برای خود روستائیان روشن شود). علاوه بر روستائیان غالب نیروهای سیاسی نیز کم و بیش دچار توهم شدند. شعرا اساسی رژیمند، ترین نیروهای سیاسی یعنی دانشجویان ما رزدا اندگاه تهران در آن ایام: "اصلاحات ارضی آری، دیکتاتوری شاه نه" بود. ولی اصلاحات ارضی خمینی یعنی لایحه الحاقی اصلاحات ارضی شاه، با وجود تحریریه شرکت خورد، نسخه ای اصلی، بویژه برای روستائیان حتی توهم زانیز نمیباشد. آنهم در شرایطی که اکثریت توده ها، کارگران و سایر زحمتکشان شهری نزدیک به سه سال سرکوب، بیگاری، گرانگی و ویرانی و ریک گله، بی لیاقتی مطلق رژیم در حال مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه را

بشدت سرگذاشته اند.

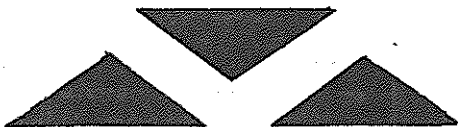
● اصلاحات رژیم شاه، بهنگام "ایران، جزیره ی شیبسات" صورت گرفت و تصور سقوط آن در آینه می نمود.

نصیرت، از جمله اهداف اصلاحات شاه، جلوگیری از انفجارهای آینده بود. در حالی که اصلاحات خمینی در بحرانی ترین و بی ثبات ترین وضع آن میخواستند انجام شود. در زمانی که اکثریت توده ها هرگونه توهمی را نسبت به رژیم از دست داده اند و نیروهای انقلابی و دموکرات، سرنگونی آنرا در دستور کار خود قرار داده اند، هدف اصلاحات خمینی نه آینده ای دور بلکه آب پاشیدن نیروی تشبها ی برافروخته شده میباشد. شدیدترین و فوریترین خطرهای اکنون زشهرها نتیجه رژیم است نه از روستاها تا با آمدن و حتی انجام اصلاحات نیم بند بتوانند خود را از آن مصون دارند.

خلاصه اینکه با توجه به مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، رژیم جمهوری اسلامی حتی با انجام پارهای اصلاحات رفیق و آبکی، نمیتواند خود را از سقوط محتوم نجات دهد. رژیم جنایتکار و ضد مردمی خمینی با انجام اصلاحات یا بدو آن محکوم به سرنگونی است و چه بسا حتی فرصت آغاز رفورمهای بعدی داده شده خود را پیدا نکند. این اصلاحات مثلاً اگر در سال قبل انجام شده بود، در زمانی که اکثریت عظیم توده ها و بسیاری از نیروهای سیاسی نسبت به رژیم متوهم بودند، میتوانست برای مدتی کم و بیش طولانی تر، عمر رژیم جمهوری اسلامی را تضمین کند. ولی با توجه به راهی که رژیم تا امروز طی کرده و به نقطه ای که اکنون رسیده است، ضرب المثل "جلوسرور را هر کجا بگیرد نفع است"، برای نجات حکومت آخوندی، در یک مصلحت فقهی در انتخاب احکام اسلام یا "استحکام حکومت آخوندی"، بیش از اندازه به طول انجامید و خمینی، در بگر خیل دیرینه انتخاب دشوار خود تن در داد. در زمانی که فقط رووند سرنگونی حکومت آخوندی، مدتهاست که برای افتاد است.

● غیر از اصلاحات ارضی و تقسیم املاک زمینداران بزرگ، رکن دوم مخالفت روحانیت مرتجع (خمینی، شریعتمداری، گلبا- یگانی، قمی، میلانی و غیره) با اصطلاح "انقلاب شاه و مردم"، داد و حق را یسه زنا نبود. خمینی در اعلامیه نوروز ۴۳ تحت عنوان "روحانیت اسلام امسال عید ندارد"، بصراحت آنرا اعلام داشت:

"دستگاه محابره در نظر دارد تساوی حقوق زنان و مرد را تصویب و اجرا کند یعنی احکام ضروری اسلام و قرآن را زیر پا بگذارد" (متن این اعلامیه در کتاب "حایگاه مبارزات روحانیون ایران"، صفحه ۲۱۹ عیناً گلیده شده است).



زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم